



مشاوره تحصیلی هیوا

تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

مشاوره تخصصی ثبت نام مدارس ، برنامه ریزی درسی و آمادگی
برای امتحانات مدارس

برای ورود به صفحه مشاوره مدارس کلیک کنید

برای ورود به صفحه نمونه سوالات امتحانی کلیک کنید

تماس با مشاور تحصیلی مدارس

۹۰۹۹۰۷۱۷۸۹



تماس از تلفن ثابت

منابع درسی

۱- در باب داستان رستم و اسفندیار کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) دلیل این که رستم سعی می کند از راه دوستی وارد شود و با اسفندیار نجنگد، این است که اسفندیار بیگانه نیست و شاهزاده است.
- ۲) اسفندیار می داند که رستم عمری به سربلندی زیسته و سزاوار بند نیست لیکن شرط گشتاسب را برای واگذاری تاج و تخت به خویش، می پذیرد.
- ۳) رستم در باطن دچار کشاکش پرآزاری است زیرا جز گریز یا کشتن اسفندیار که شاهزاده و روین تن است چاره ای ندارد.
- ۴) اسفندیار به این دلیل حقیقت حال و ماجرا را برای رستم بازمی گوید که نه دل جنگیدن دارد و نه توانایی دست شستن از پادشاهی.

۲- توضیح کدام گزینه درست نیست؟

- ۱) اگر مرا درست شدی که حسنگ قرمطی است خبر به امیرالمؤمنین رسیدی که در باب وی چه رفتی = اگر به من ثابت می شد که حسنگ قرمطی است خبر به خلیفه می رسید که در حق او چه مجازاتی انجام می شد.
- ۲) لاجرم چون سلطان پادشاه شد، این مرد بر مرکب چوبین نشست و بوسهل و غیر بوسهل در این کیستند؟ = ناچار وقتی سلطان مسعود به پادشاهی رسید حسنگ به دار آویخته شد و بوسهل و دیگران در این امر تأثیری نداشتند.
- ۳) حال حسنگ دیگر بود که بر هوای امیر محمد و نگاه داشت دل و فرمان محمود این خداوندزاده را بیازرد و چیزها کرد و گفت که اکفا آن را احتمال نکنند = روش حسنگ تفاوت داشت که به سبب علاقه مندی به امیر محمد و راضی کردن دل او و اجرای فرمان سلطان محمود، مسعود را دل آزرده کرد و کارهایی انجام داد و چیزهایی گفت که افراد مانند آن را نمی توانند تحمل کنند.
- ۴) خواجه، امیر حسنگ را، هر چند خواست که پیش وی نشیند، نگذاشت و بر دست راست من نشست و ... بوسهل بر دست چپ خواجه. از این نیز سخت بتابید = هرچقدر امیر حسنگ خواست روبه روی خواجه احمد بنشیند، خواجه احمد نگذاشت و حسنگ در سمت راست من نشست و بوسهل در سمت چپ خواجه احمد و از این مسأله هم به شدت خشمگین شد.

۳- با توجه به داستان شیر و گاو همه گزینه‌ها درست نقل شده است بجز گزینه ...

- (۱) هر که نفس شریف دارد خویشتن را از محل وضع به منزلت رفیع می‌رساند.
- (۲) به خرد و فراست خویش آثار و دلایل آن می‌بینم. که خردمند به مشاهدت ظاهر، باطن را بشناسد.
- (۳) مرد هنرمند با مروّت، اگر چه حامل منزلت و بسیار خصم باشد، به عقل و مروّت خویش پیدا نیاید در میان قوم.
- (۴) ملک در اکرام آن کافر نعمت غدار افراط نمود تا هوای عصیان از سر او بادخانه‌ای ساخت.

۴- استنباط از همه گزینه‌ها درست است بجز گزینه ...

- (۱) نیک و بد چون همی بیاید مرد / خنک آن کس که گوی نیکی برد
عمر برف است و آفتاب تموز / اندکی ماند و خواجه غره هنوز (متوجه گذر سریع عمر باشیم و در نیکوکاری از دیگران پیشی بگیریم)
- (۲) کنونت که امکان گفتار هست / بگوی ای برادر به لطف و خوشی
که فردا چو پیک اجل دررسد / به حکم ضرورت زبان درکشی (قبل از این که مرگ ساکتمان کند آنچه سزاوار است بگوییم)
- (۳) زبان در دهان ای خردمند چیست / کلید در گنج صاحب هنر
چو در بسته باشد چه داند کسی / که جوهر فروش است یا پيله‌ور (سخن گفتن معرف خرد و هنر یا بی‌خردی انسان است)
- (۴) هر که آمد عمارتی نو ساخت / رفت و منزل به دیگری پرداخت
وان دگر پخت همچنان هوسی / وین عمارت به سر نبرد کسی (قبل از این که عمرمان به پایان برسد باید به آرزوهای منطقی مان جامه عمل بپوشانیم)

۵- در کدام گزینه کنایه وجود ندارد؟

- (۱) ذوقزده شدی خیال کردی یک نان‌خور را از سر خودت باز کرده‌ای. تا تو باشی دیگر از هول هلمیم توی دیگ نیفتی.
- (۲) خدا را شکر که بالاخره بچه را از آب و گل درآوردیم و به سروسامان رساندیم. حالا می‌توانیم نفس راحتی بکشیم.
- (۳) همه روزه دسته‌ها و سبدهای گل بود که به منزل ما آورده می‌شد ولی هیچ‌یک از دسته‌های گل را نمی‌شد با دو کیلو سیب یا زردآلو معاوضه کرد.
- (۴) کپسول گازمان نیز فعال شده بود و تندتند ته می‌کشید و کفگیر عیال هم در کوتاه‌ترین مدت ممکن، به ته پیت روغن می‌خورد.

۶- استنباط از کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) نه همین می‌رمد آن نوگل خندان از من / می‌کشد خار در این بادیه دامان از من (شاعر احساس مطرود بودن می‌کند)
- ۲) با من آمیزش او الفت موج است و کنار / دم به دم با من و پیوسته گریزان از من (معشوق با عاشق رفتار متناقضی دارد)
- ۳) گرچه مورم ولی آن حوصله با خود دارم / که بیخشم بود از ملک سلیمان از من (شاعر صبر و تحمل خود را ستوده است)
- ۴) قمری ریخته‌بالم به پناه که روم / تا به کی سرکشی ای سرو خرامان از من (سرکشی معشوق باعث بی‌پناهی عاشق شده است)

۷- کدام بیت با سایر بیت‌ها نزدیکی معنایی ندارد؟

- ۱) بوی گل‌های چیده می‌آید / خونم از دل به دیده می‌آید
- ۲) از غم داغ گل‌رخان از خاک / لاله در خون تپیده می‌آید
- ۳) در عدم هم ز عشق بویی هست / گل گریبان‌دریده می‌آید
- ۴) به تماشای غنچه‌های شهید / گل به رنگ پریده می‌آید

۸- در کدام بیت نکوهش دیده نمی‌شود؟

- ۱) چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد / بیداد ظالمان شما نیز بگذرد
- ۲) در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت / این عوعو سگان شما نیز بگذرد
- ۳) زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد
- ۴) این نوبت از کسان به شما ناکسان رسید / نوبت ز ناکسان شما نیز بگذرد

۹- تعداد اجزای موجود در کدام جمله متفاوت است؟

- ۱) چه خبر؟
- ۲) به سلامتی!
- ۳) دست خوش!
- ۴) قربان شما!

۱۰- تعداد میانوند در کدام گزینه کم‌تر است؟

- ۱) دوشادوش، دستاورد، سربه‌زیر، دانش‌افزایی
- ۲) مالامال، دست‌به‌نقد، شبانه‌روز، سراپرده
- ۳) سرایشی، زیاده‌خواهی، برابری، ناخوشایندی
- ۴) روبه‌رویی، سالی‌واحدی، شورش‌طلبی، گاهگاهی

۱۱- در متن زیر چند وابسته وابسته به کار رفته است؟

صبحی زلال سرد چون آب گوارای چشمه از کرانه خاور دور برمی تراود و گویی روشنایی نیلگون خود را بر خاک جانبخش هر هفت سرزمین می پاشاند. اهالی سرسخت بیابان چنین هوای دلپذیری را گرگ و میش می نامند.

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۲- در کدام گزینه همه واژه‌ها مشتق است؟

(۱) کمیت، موقعیت، تربیت، جمعیت
(۲) پایه، تیغه، چشمه، دهانه
(۳) شامگاه، کمرگاه، گهگاه، باشگاه
(۴) شتابان، بهاران، ضربان، باران

۱۳- در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

(۱) الغای حکم، برائت و بیزاری، اوامر و نواهی، الم و درد
(۲) ضلالت، مزبور، وهله، هرس کردن، انضباط
(۳) بحبوحه، موجّه، ترجیح، برحه، توجیه
(۴) ازدحام، انزجار، رذل، زادبوم، سپاس گزار

۱۴- در عبارت زیر چند واژه وجود دارد؟

سرانجام بر آن نهادند که پهلوان ایرانی تیری به خاور رها کند؛ هر جا که تیر پایین آید، مرز ایران و توران شناخته می شود.

(۱) ۲۳ (۲) ۲۴ (۳) ۲۵ (۴) ۲۶

۱۵- با توجه به خوانش درست، در کدام گزینه تعداد کمتری فرایند واجی حذف همزه دیده می شود؟

(۱) قصه رنجور و رنجوری بخواند / بعد از آن در پیش رنجورش نشاند
(۲) چون قلم اندر نوشتن می شتافت / چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت
(۳) هر غلامی را بیاورد ارمغان / هر کنیزک را ببخشید او نشان
(۴) وانگردد از ره آن تیر ای پسر / بند باید کرد سیلی راز سر

۱۶- در همه گزینه‌ها هر دو اثر مثنوی است بجز گزینه ...

(۱) عرفات - خلد برین
(۲) سبحة الابرار - فرهاد و شیرین
(۳) بزم وصال - محیط اعظم
(۴) ناظر و منظور - جلالیه

۱۷- دربار کدام پادشاه از نظر شعر و شاعری دربار غزنوی را تداعی می کند؟

(۱) ناصرالدین شاه (۲) آقا محمد خان (۳) فتحعلی شاه (۴) نادر شاه

۱۸- بیت‌های زیر از کیست؟

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی / دست خود ز جان شستم از برای آزادی
تا مگر به دست آرم دامن وصالش را / می‌روم به پای سر در قفای آزادی

(۱) عارف (۲) سید اشرف‌الدین گیلانی (۳) فرخی یزدی (۴) عشقی

۱۹- کدام تعریف نادرست است؟

(۱) مکتب سوررئالیسم مبتنی بر اصالت وهم و رویا و تداعی آزاد و صورت‌های پنهانی در ضمیر ناخودآگاه است.

(۲) وهم‌گرایان از نظریات فروید در روان‌کاوی بهره می‌گرفتند و خود اغلب روان‌پزشک بودند.

(۳) مکتب وهم‌گرایی به هر نوع خواب دیدن اصالت هنری می‌بخشد.

(۴) در تمامی مکتب‌های جدید هنری نوعی گریز از بیرون به درون می‌توان یافت.

۲۰- در کدام بیت تناسب تشبیه برهم خورده است؟

(۱) تو همچو ماهی و آن دیگران همه خورشید / تو روح پاکی و ابنای روزگار اجسام

(۲) از اتفاق چه خوش‌تر بود میان دو دوست / درون پیرهنی چون دو مغز یک بادم

(۳) اگر تو آدمی‌ای اعتقاد من این است / که دیگران همه نقشند بر در حمام

(۴) تنک میوش که اندام‌های سیمینت / درون جامه پدید است چون گلاب از جام

۲۱- در کدام بیت ایهام به کار نرفته است؟

(۱) آن در دو رسته در حدیث آمد / وز دیده بیوفتاد مرجانم

(۲) بلبل باغ سرای صبح نشان می‌دهد / وز در ایوان بخاست بانگ خروسان بام

(۳) افتاده تو شد دلم ای دوست دست گیر / در پای مفکشش که چنین دل کم او فتد

(۴) نی‌مپنار که حرفی به زبان آرم اگر / تا به سینه چو قلم بازشکافند سرم

۲۲- کدام بیت از لحاظ نوع مطرح شدن تشبیه در آن با دیگر بیت‌ها متفاوت است؟

(۱) اگر کساد شکر بایدت دهن بگشای / ورت خجالت سرو آرزو کند بخرام

(۲) سرو در آید ز پای گر تو بجنبی ز جای / ماه بیفتد به زیر گر تو بر آیی به بام

(۳) گر به مسجد روم ابروی تو محراب من است / و ربه آتشکده زلف تو چلیپا دارم

(۴) ترا در بوستان باید که پیش سرو نشینی / و گرنه باغبان گوید که دیگر سرو نشانم

۲۳- در همه بیت‌ها میان دو کلمه نوعی تضاد یا تناسب متضاد دیده می‌شود جز بیت ...

(۱) باری غرور از سر بنه و انصاف درد من بده / ای باغ شفتالو و به ما نیز هم بد نیستیم

(۲) شمشیر بر آور که مرادم سر سعدیست / و ر سر نهم در قدمت عاشق دونم

- ۳) مرده از خاک لحد رقص کنان برخیزد / گر تو بالای عظامش گذری و هی رمیم
۴) گر همه عمر بشکنم عهد تو پس درست شد / کاین همه ذکر دوستی لاف دروغ می‌زنم

۲۴- در کدام گزینه ایهام تناسب نیست؟

- ۱) مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد / نقش هر نغمه که زد راه به جایی دارد
۲) چشمم از آینه‌داران خط و خالش گشت / لبم از بوسه‌ریایان بر و دوشش باد
۳) چه کند کز پی دوران نرود چون پرگار / هر که در دایره گردش ایام افتاد
۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه / که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد

۲۵- نوع تشبیه در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) آن ابر بین که گرید چون مرد سوگوار / وان رعد بین که نالد چون عاشق کئیب
۲) مانند پنبه‌دانه که در پنبه تعبیه است / اجرام کوه‌هاست نهان در میان برف
۳) دلتنگ و بینوا چو بطان بر کنار آب / خلقی نشستیم کران تا کران برف
۴) خورشید ز ابر تیره دهد روی گاه‌گاه / چونان حصاری‌ای که گذر دارد از رقیب

منابع غیردرسی

۲۶- واژه مشخص شده در کدام بیت حتما باید با سکون (بدون کسره اضافه) خوانده شود؟

- ۱) هر جا که سرو قامتی و موی دلبريست / خود را بدان کمند گرفتار می‌کنم
۲) در این سماع همه ساقیان شاهد روی / بر این شراب همه صوفیان درد آشام
۳) ماه چنین کس ندید خوش سخن و کش خرام / ماه مبارک طلوع سرو قیامت قیام
۴) رای خداوند راست حاکم و فرمان رواست / گر بکشد بنده‌ایم ور بنوازد غلام

۲۷- در میان کدام دو واژه بیت زیر نوعی ارتباط و تناسب شعری سستی دیده می‌شود؟

این همه طوفان به سرم می‌رود / از جگری همچو تنور ای صنم

- ۱) طوفان - تنور ۲) طوفان - صنم ۳) جگر - تنور ۴) جگر - صنم

۲۸- کدام بیت اشکال معنایی و منطقی ندارد و درست نقل شده است؟

- ۱) همسایه گو گواهی مستی و عاشقی / بر من بده که خویشتن اقرار می‌کنم
۲) من آن نی‌ام که به جور از مراد نگریم / به آستین نرود مرغ پای بسته به دام
۳) عجب آن است که با زحمت چندینی خار / بوی صبحی نشنیدم که چو گل نشکفتم
۴) دیده نگه داشتیم تا نرود دل / با همه عیاری از کمند بجستیم

۲۹- کاربرد «که» در کدام بیت معنای متفاوتی را به ذهن می‌رساند؟

- ۱) سعدیا حبّ وطن گرچه حدیثی ست صحیح / نتوان مرد به سختی که من اینجا زادم
- ۲) بنال مطرب مجلس بگویی گفته سعدی / شراب انس بیاور که من نه مرد نیبدم
- ۳) من از تو روی نخواهم به دیگری آورد / که زشت باشد هر روز قبله دگرم
- ۴) ببند یک نفس ای آسمان دریچه صبح / بر آفتاب که امشب خوش است با قمرم

۳۰- ساخت ردیف در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) آمدی وه که چه مشتاق و پریشان بودم / تا برفتی ز برم صورت بی جان بودم
- ۲) نه فراموشی ام از ذکر تو خاموش نشاند / که در اندیشه اوصاف تو حیران بودم
- ۳) خار عشقت نه چنان پای نشاط آبله کرد / که سر سبزه و پروای گلستان بودم
- ۴) به تولای تو در آتش محنت چو خلیل / گویا در چمن لاله و ریحان بودم

۳۱- معنی بخش مشخص شده در کدام گزینه درست و دقیق است؟

- ۱) چه طاعت کرده‌ام گویی که این پاداش می‌یابم / چه فرمان برده‌ام گویی که این مقدار می‌بینم
(می‌توانم این اندازه مشاهده کنم)
- ۲) به هیچ شهر نباشد چنین شکر که تویی / که طوطیان چو سعدی در آوری به کلام
(مانند سعدی، طوطی‌ها را به حرف زدن وامی‌داری)
- ۳) خواهی ام آزاد کن خواه قوی تر ببند / مثل تو صیاد را کس نگریزد ز دام
(هیچ کس همچون تو از دام صیاد نمی‌گریزد)
- ۴) چه دشمنی تو که از عشق دست و شمشیرت / مطاوعت به گریزم نمی‌کنند اقدام
(پاهایم برای فرار از من فرمان نمی‌برند)

۳۲- معنی بخش مشخص شده در کدام گزینه درست و دقیق و مطابق با جمله‌بندی اصلی است؟

- ۱) من اول روز دانستم که با شیرین درافتادم / که چون فرهاد باید شست دست از جان شیرینم
(فهمیدم که با شیرین طرف شدم)
- ۲) من همان روز بگفتم که طریق تو گرفتم / که به جانان نرسم تا نرسد کار به جانم
(گفتم که راه تو را در پیش گرفتم)
- ۳) بینی که چه گرم آتش در سوخته می‌گیرد / تو گرمتری ز آتش من سوخته تر زانم
(من سوخته تر از سوخته‌ام)
- ۴) این نه نصیحتی بود کز غم دوست توبه کن / سخت سیه دلی بود آن که ز دوست برکنم

(سنگدلی و قساوت است که از دوست دل بکنم)

۳۳- توضیح و یا معنی بخش مشخص شده در کدام گزینه درست است؟

(۱) بوی پیراهن گم کرده خود می شنوم / گر بگویم همه گویند ضلالی ست قدیم
(گم کرده صفت پیراهن است)

(۲) میل ازین جانب اختیاری نیست / کهربا را بگو که من کاهم
(به کهربا اطلاع بده که من کاه هستم)

(۳) هیچ شک نیست که این واقعه با طاق افتد / گو بدانید که من با غم رویش جفتم
(برملا می شود)

(۴) چو آهن تاب آتش می نیارد / همی باید که پیشانی کند موم
(موم نهاد جمله است)

۳۴- در کدام بیت پرشی دیده نمی شود؟

(۱) سعدیا با تو نگفتم که مرو در پی دل / نروم باز گر این بار که رفتم جستم

(۲) بلبل بوستان حسن توام / چون نیفتد سخن در افواهم

(۳) نه توانگران بیخشنند فقیر ناتوان را / نظری کن ای توانگر که به دیدنت فقیرم

(۴) نه او به چشم ارادت نظر به جانب ما / نمی کند که من از ضعف ناپدیدارم

۳۵- درباره بیت زیر کدام گزینه درست است؟

پای می پیچم و چون پای دلم می پیچد / بار می بندم و از بار فروبسته ترم

(۱) در هر مصراع وجه شبه مطرح شده برای دو طرف تشبیه معنای یکسانی ندارد.

(۲) سخن درباره سختی های راه و پایان سفر است.

(۳) «پای دل» استعاره مکنیه است.

(۴) پای پیچیدن کنایه از لنگیدن است.

۳۶- در همه بیت ها بجز بیت ... یک کلمه از سه کلمه مشخص شده، عوض شده است و معنا را نامتناسب کرده است.

(۱) هر که در آتش نرفت بی خبر از سور ماست / سوخته داند که چیست پختن سودای خام

(۲) مکنید دردمندان گله از شب جدایی / که من ای صباح روشن ز شب سیاه دارم

(۳) از این قدر نگریزم که بوسی از دهنت / اگر حلال نباشد حرام برگیرم

(۴) آرزو می کندم در همه عالم صیدی / که نباشند رفیقان حسود انبازم

۳۷- در کدام بیت فعل «اول شخص» دیده نمی شود؟

- ۱) چون کیوتر بگرفتم به دام سر زلف / دیده بردوختی از هر دو جهان چون بازم
- ۲) دشمن خویشتم هر نفس از دوستی او / تا چه دید از من مسکین که ملول است ز خویم
- ۳) اگر فردا به زندان می برندم / بنقد این ساعت اندر بوستانم
- ۴) میرسم دوش چون بودی به تاریکی و تنهایی / شب هجرم چه می پرسی که روز وصل حیرانم

۳۸- وزن کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) گویند پای دار اگر ت سر دریغ نیست / گو سر قبول کن که در پایش درافکنم
- ۲) همه بر من چه زنی زخم فراق ای مه خوبان / نه منم تنها کاندر خم چوگان تو گویم
- ۳) روز هجران بدانستم قدر شب وصل / عجب ار قدر نبود آن شب و نادان بودم
- ۴) دگر من از شب تاریک هیچ غم نخورم / که هر شبی را روزی مقدر است انجام

۳۹- منظور از به کارگیری فعل «گو» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) معلم گو ادب کم کن که من ناجنس شاگردم / پدر گو پند کمتر ده که من نااهل فرزندم
- ۲) باغبان را گو اگر در گلستان آلاله ایست / دیگری راده که ما با دلستان آسوده ایم
- ۳) عالم شهر گو مرا وعظ مگو که نشنوم / پیر محله گو مرا توبه مده که بشکنم
- ۴) همه گو باد بیر خرمن عمر / دو جهان بی تو نیرزد دو جوم

۴۰- در همه بیت ها با شخص یکسانی سخن گفته شده است جز ...

- ۱) چون بخوانی آن فسون بر مرده / بر جهد چون شیر صید آورده
- ۲) سنگ با تو در سخن آمد شهیر / کز برای غزو طالوتم بگیر
- ۳) آهن اندر دست تو چون موم شد / چون زره سازی ترا معلوم شد
- ۴) کوه ها با تو رسائل شد شکور / با تو می خوانند چون مقری زبور

۴۱- در کدام بیت سخن مولانا به صورت درست و بی هیچ تغییری آمده است؟

- ۱) بیخ هر یک رفته در زیر زمین / زیر تر از گاو و ماهی بد یقین
- ۲) ای دلا منظور حق آن گه شوی / که چو کلی سوی جزو خود روی
- ۳) تا بینم قلزمی در قطره / ماهتابی درج اندر ذره
- ۴) تو همان دیدی که ابلیس لعین / گفت کادم ز آتش است و من ز طین

۴۲- جای خالی بیت زیر با کدام گزینه به طور درست و متناسب پر می شود؟

از همه کار جهان پرداخته / ... می گو به جان چون فاخته

- ۱) کو و کو ۲) های و هو ۳) هق هقی ۴) حق حقی

۴۳- در همه گزينه‌ها قافيه بدون اشکال است بجز

- (۱) او به سوی آسمان می کرد رو / واقعه ما را نداند غير تو
- (۲) حق همی گوید چه آوردی مرا / اندرین مهلت که دادم من ترا
- (۳) قوتی و راحتی و مسندی / در میان جان فتادش زان ندا
- (۴) معنی تکبير اين است ای امام / کای خدا پيش تو ما قربان شدیم

۴۴- در کدام گزينه ياء ابتر (ء) به اشتباه آمده است؟

- (۱) بعد از آن داود گفتش ای عنود / جمله مال خویش او را بخش زود
- (۲) ظالم از مظلوم کی داند کسی / کو بود سخره هوا همچون خسی
- (۳) جز به اندازه ضرورت زین مگیر / تا نگردد غالب و بر تو امیر
- (۴) آن چنان پنهان شدند از چشم او / مثل غوطه ماهیان در آب جو

۴۵- وزن کلمه «عیسی» در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) جان دریغم نیست از عیسی ولیک / واقفم بر علم دینش نیک نیک
- (۲) گفت عیسی که به ذات پاک حق / مبدع تن خالق جان در سبق
- (۳) ز احمقان بگریز چون عیسی گریخت / صحبت احمق بسی خونها که ریخت
- (۴) آن گریز عیسی نی از بیم بود / ایمنست او آن پی تعلیم بود

۴۶- کدام بیت می تواند شاهدهی برای بیت زیر باشد؟

همچنین ز آغاز قرآن تا تمام / رفض اسبابست و علت والسلام

- (۱) فهم آب است و وجود تن سبو / چون سبو بشکست ریزد آب ازو
- (۲) دم گاو کشته بر مقتول زن / تا شود زنده همان دم در کفن
- (۳) از دهانت نطق فهمت را برد / گوش چون ریگ است فهمت را خورد
- (۴) کسب را همچون زراعت دان عمو / تا نکاری دخل نبود زآن تو

۴۷- حرف «ی» در «درویشی» در کدام عبارت متفاوت است؟

- (۱) تهی دست اندک مال اگر خواهد که در طلب کاری ایستد درویشی او را بنشانند.
- (۲) درخت که در شورستان روید و از هر جانب آسیبی می یابد نیکو حال تر از درویشی است که به مردمان محتاج باشد.
- (۳) سمت کندزفانی اولی تر از فصاحت بفتحش و مذلت درویشی نیکوتر از عز توانگری از کسب حرام.
- (۴) عز الرجل استغناؤه عن الناس و درویشی اصل بلاها و داعی دشمنایگی خلق و رباینده شرم و مروت ... است و هر که بدان درماند چاره شناسد از آنکه حجاب حیا از میان برگیرد.

۴۸- در کدام گزینه «مؤونت» یا «معونت» با توجه به معنا، اشتباه نوشته شده است؟

- ۱) خواستم که ترا بر اخلاق پسندیده و عادت ستوده مؤونتی واجب دارم و حقوق دوستی و هجرت تو بدان بگزارم.
- ۲) چون ... به معونت و مظاهره ایشان از دست صیاد بجستم مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد.
- ۳) انواع هول و خطر و مؤونت حضر و مشقت سفر برای دانگانه بر حریص آسانتر (است).
- ۴) یکی از معونت بر خرسندی و آرامش نفس در نوایب دیدار برادران است و مفاوضت ایشان.

۴۹- در کدام گزینه حرف «که» متفاوت است؟

- ۱) به حسن عهد آن لایق تر که حیلتی اندیشی که متضمن خلاص او باشد.
- ۲) به عزایم مرد آن لایق که اگر از چشم و زبان که دیدبان تن و ترجمان دل اند، خلافی شناسد به یک اشارت هر دو را باطل گرداند.
- ۳) انواع هول و خطر ... برای دانگانه بر حریص آسانتر که دست دراز کردن برای قبض مال بر سخی.
- ۴) چون یک کرّ در رنج افتاد و ورغ نکبت سوی او بشکست هر ساعت سیل آفت قوی تر و موج محنت هایل تر می گردد و هرگاه که دست در شاخی زند بار دیگر در سر آید.

۵۰- بر پایه متن زیر کدام گزینه نادرست است؟

هیچ دشمنی را آن اثر نیست که عداوت ذاتی را، ازیرا که چون دو تن را با یکدیگر دشمنی افتاده باشد، و بروزگار از هر دو جانب تمکن یافته و قدیم و حدیث آن بهم پیوسته و سوابق بلواحق مقرون شده، پیش از سپری گشتن ایشان انقطاع آن صورت نبندد، و عدم آن به انعدام ذاتها متعلق باشد. و آن دشمنی بر دو نوع است: اول چنانکه از آن شیر و پیل، که ملاقات ایشان بی محاربت ممکن نباشد، و این هم شاید بود که مرهم پذیرد، که نصرت در آن یک جانب را مقرر نیست و هزیمت بر یک جانب مقصور نه، گاه شیر ظفر یابد و گاه پیل پیروز آید. و این جنس چنان متأصل نگردد که قلع آن در امکان نیاید، و آخر بحیلت بلابندی توان کرد و گره شانی در میان آورد. و دوم چنانکه از آن موش و گربه، و زاغ و غلیواژ و غیر آنست، که در آن مجاملت هرگز ستوده نیامده است.

- ۱) وقتی دو طرف دعوا قدرت برابر داشته باشند، امکان صلح وجود ندارد.
- ۲) دشمنی ذاتی تنها زمانی به پایان می رسد که طرفین یا یکی از آنها نابود شوند.
- ۳) دشمنی میان شیر و پیل آنقدرها محکم نمی شود که نتوان آن را از بین برد.
- ۴) وقتی یکی از طرفین دعوا قدرت بیشتری داشته باشد، خوش رفتاری پسندیده نیست.

۵۱- کدام گزینه درست معنی شده است؟

۱) آثار کرم تو ظاهر است و من به دوستی تو محتاج و این در را لازم گرفته‌ام و البته بازنگردم = نشانه‌های جوانمردی تو آشکار است و من نیازمند دوستی تو هستم و وجود خود را در این دوستی لازم می‌دانم و مسلماً بر نمی‌گردم.

۲) لثیم را اگر چه صحبت و محبت قدیم مؤکد باشد ازو ملاطفت چشم نتوان داشت مگر در یوبه امید و هراس بیم باشد = هر چند مصاحبت و دوستی دیرینه انسان فرومایه پابرجا شده باشد، نمی‌توان انتظار مهربانی از او داشت مگر آنکه در طمع امید و نگرانی ترس باشد.

۳) موالات و مؤاخات ترا به جان خریدارم و این مدافعت در ابتدای سخن بدان کردم تا غدیری اندیشی من باری به نزدیک خویش معذور باشم = دوستی و برادری ترا از دل و جان می‌پذیرم و این مخالفتی که در آغاز سخن انجام دادم به آن سبب بود تا اگر بهانه‌ای بیاوری من به هر حال در نزد خودم عذری داشته باشم.

۴) در مذهب من منع سائل، خاصه که دوستی من بر سبیل تبرع اختیار کرده باشد محذور است = در روش من رد کردن خواهش خواهش کننده مخصوصاً که دوستی و محبت مرا بلاعوض و داوطلبانه انتخاب کرده باشد، عبث است.

۵۲- توضیح کدام گزینه غلط است؟

۱) اگر کریمی در سر آید دستگیر او کرام توانند بود = اگر جوانمردی جایگاهی یابد، به سبب یاری بزرگان است.

۲) محسود خلیق آن کس تواند بود که نزدیک او زینهاریان ایمن گشته بسیار یافته شود = کسی می‌تواند مایه رشک مردم باشد که در نزد او پناهجویان بسیاری در امنیت وجود داشته باشند.

۳) سزاوارتر کسی به مسرت و ارتیاح اوست که جانب او دوستان را مهمد باشد = آن کس به شادی و شادمانی سزاوارتر است که کنار خویش را جایی نرم و راحت از برای دوستان ساخته و آماده کرده باشد.

۴) هر که در نعمت او محتاجان را شرکت نباشد او در زمره توانگران معدود نگردد = کسی که نیازمندان در دارایی او شریک نباشند، او را نمی‌توان ثروتمند شمرد.

۵۳- با توجه به متن زیر کدام گزینه نادرست است؟

از پای نشست این بخت خفته تا دست من برنتافت و چنانکه میان من و اهل و فرزند و مال جدایی افکنده بود دوستی را که بقوت صحبت او می‌زیستم از من بر بود روی رزمه یاران و واسطه قلاده بذاذران که مودت او از وجه طمع مکافات نبود لکن بنای آن را به دواعی کرم و وفا و فضل تأکیدی بسزا داده بود چنانکه به هیچ حادثه خلل نپذیرفتی.

۱) منظور از «روی رزمه» بهترین و گرانقدرترین چیز یا کس است.

۲) دوستی دوست من بدون چشم‌داشت به جبران چیزی بود.

۳) ضمیر «آن» به «روی رزمه یاران» برمی‌گردد.

۴) «روی رزمه یاران» و «واسطه قلاده بذاذران» می‌تواند فاعل «تأکید بسزا داده بود» باشد.

۵۴- در داستان «استخری پر از کابوس» منظور از «کابوس» چیست؟

۱) نابودی طبیعت ۲) وجود شکارچیان ۳) برف و یخ و سرما ۴) خشونت پلیس

۵۵- راوی داستان «روز اسب‌ریزی» کدام گزینه است؟

۱) دانای کل ۲) اول شخص ۳) سوم شخص ۴) مختلط

۵۶- درونمایه داستان «روز اسب‌ریزی» کدام است؟

۱) عادت به خواری ۲) رنج حیوانات از انسان

۳) زورگویی قلان خان ۴) دل‌رحمی آسیه

۵۷- در داستان «تاریکی در پوتین»، چرا پدر طاهر، شکسته سفال را از طاهر نگرفت؟

۱) چون یاد پسرش افتاد.

۲) زیرا طاهر آن را دوباره در آب انداخته بود.

۳) چون طاهر از آنجا رفته بود.

۴) زیرا فهمید که بچه‌ها قصد شوخی با او دارند.

۵۸- ماجرای داستان «چشمهای دکمه‌ای من»، بیانگر چه حادثه‌ای است؟

۱) زلزله ۲) جنگ ۳) آتش‌سوزی ۴) شیوع وبا

۵۹- در داستان «مرا بفرستید به تونل» کدام گزینه درست است؟

۱) دکتر مرادی قصد داشت مرگ را تجربه کند.

۲) خانم مهران از خاطرات فراموش‌شده دکتر وحشت داشت.

۳) مرتضی لحظاتی بعد از تولد مرده بود.

۴) مونیتور دچار اشکال شده بود.

۶۰- منظور درست از عبارت زیر در کدام گزینه آمده است؟

استاد امام گفت: دستوری دادم اما پوشیده شو و ناونه‌ای بر سر کن.

۱) امر کردم اما پنهان شو و روسری بر سرت بگذار.

۲) اجازه هست ولی ناشناس برو و چادری بر سرت بگیر.

۳) اجازه دادم اما پنهانی برو و حجابت را حفظ کن.

۴) فرمانی دادم اما خودت را بپوشان و چادرشبی بر سر بدار.

۶۱- کدام گزینه در ارتباط با عبارت زیر درست است؟

کودکی طوآف بر در خانقاه بگذشت و ناطف آواز می داد.

(۱) ناطف: معطوف به کودک است (۲) کودک: فاعل هر دو فعل

(۳) طوآف: قید (۴) فعل دوم: ناگذر

۶۲- با توجه به پرسش و پاسخ زیر، پاسخ شیخ دلالت بر چه امری دارد؟

پیر محمد حبیبی: آثار را محو بود؟ ...

شیخ ابوسعید: ... لا تبقی و لا تذر ...

(۱) بی وفایی دنیا (۲) غضب الهی (۳) مرگ و نیستی (۴) ناپایداری نعمت ها

۶۳- مفهوم صحیح عبارت «چون بدان دره درشوی، پاره ای بروی، سنگی بزرگ آنجاست، بر لب

آب وضو باید ساخت و بر آن سنگ دوی بگزارد و منتظر بود» در کدام گزینه آمده است؟

(۱) در آن دره وضو بگیر و بر روی سنگ نماز بخوان و منتظر باش.

(۲) وقتی تو در آن دره مقداری رفتی و وضو گرفتی، او نماز گزارد و منتظر شد.

(۳) پس از رفتن در دره به سنگی می رسی، او به آنجا می آید باید وضو بگیرد و نماز بخواند و منتظر بماند.

(۴) در آن دره در کنار آب باید وضو گرفت و رو به آن سنگ نماز گزارد و منتظر بود.

۶۴- با توجه به متن زیر کدام گزینه درست است؟

عجب کاری است! دوش در وردی که مرا بود کسلی می بود و از آن جهت مشوش می بودم.

(۱) شگفتا، در کار همیشگی ام کسالتی داشتم که باعث پریشانی ام بود.

(۲) عجیب است که دیشب بیماری ای داشتم که ذکر مرا آشفته کرد.

(۳) کاری شگفت است که در قرآن خواندن، کوتاهی داشتم و بدان سبب ناراحت بودم.

(۴) عجباً، دیشب در دعای همیشگی ام دچار سستی و بی حالی ای شدم که مرا پریشان کرد.

۶۵- معنای واژه «تمام» در کدام گزینه با نمونه متن زیر یکسان است؟

هزار ناو هست پر آب و علف که هر یکی لشکری را تمام باشد.

(۱) به خاطر من در آمد که این بسیار باشد، پانصد درم تمام بود.

(۲) شیخ گفت: مبارک باد! اما تمام نیاورده است.

(۳) چاکری را فرستادم تا باقی سیم بیاورد ... شیخ دستان من بگرفت و گفت: تمام شد. برو بسلامت.

(۴) با شادابی هر چه تمام تر پیش شیخ آمدم.

۶۶- با توجه به عبارتهای زیر، کدام گزینه نادرست است؟

شما به نسب از آن مهتر قناعت کرده‌اید و ما همگی خویش در نسبت بدان مهتر باخته‌ایم و هنوز قناعت نمی‌کنیم. لاجرم از آن دولت و عزت که آن مهتر داشت ما را نصیب کرد و بنمود که راه به حضرت ما به نسبت است نه به نسب.

- (۱) مذموم شمردن افتخار به رابطه خانوادگی.
- (۲) ستایش ارتباط معنوی و روحی.
- (۳) مدح فنا شدن در پیوند روحی و اخلاقی.
- (۴) مذمت قناعت نکردن به رابطه با خویشان.

۶۷- توضیح بخش‌های مشخص شده، در کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) ... دزد در شد و هر چه در خانه داشت، جمله برد مگر مرقع آن درویش، که پوشیده داشت = پنهان کرده بود.
- (۲) باریک‌تر از موی نبشته یک خط است از آن همه که با خلق بیرون داده است = پدیدار کرده است.
- (۳) از حق سبحانه و تعالی درمی‌خواستم که یا رب درجه شیخ بوسعید به من نمای، شبهها درین کردم = شبهای زیادی صرف این خواسته کردم.
- (۴) زن و فرزندانم گفتند که ما ترا نمی‌توانیم داشت. ما را در کار خدای کن = ما را به خدا بسپار.

۶۸- کدام گزینه در مورد شعر افسانه نیما درست است؟

- (۱) در قالب نیمایی سروده شده است.
- (۲) شیوه روایت در آن خطی است.
- (۳) منظور از افسانه یک انسان است.
- (۴) وزن به کار رفته در آن ابداع نیما نیست.

۶۹- کدام گزینه درباره قالب‌های نیمه‌سنتی نادرست است؟

- (۱) اصل تساوی وزن در مصراع‌های متناظر رعایت می‌شود.
- (۲) قاعدتاً تعداد مصراع‌ها در بندهای متناظر برابر است.
- (۳) واحد شعر همچنان بیت است.
- (۴) چهارپاره، پرکاربردترین قالب این جریان است.

۷۰- کدام گزینه در مورد شعر آزاد نادرست است؟

- (۱) هیچ صورت و قالب از پیش تعیین شده‌ای وجود ندارد.
- (۲) سطرها برابر نیستند ولی افاعیل عروضی همواره به صورت سالم و کامل به کار می‌رود.
- (۳) از دیدگاه معنایی، بنیاد این طرز شاعری نزد نیما بر ابهام هنری است.
- (۴) تجربی و شخصی بودن جنبه عاطفی این نوع شعر را تقویت می‌کند.

۷۱- بر اساس بندهای زیر و کلیت شعر «مریم» کدام گزینه درست است؟

دامن‌کشان ز پرتو مهتاب تیرگی / رو می‌نهد به سایه اشجار دوردست
شب دلکشست و پرتو نمناک ماهتاب / خواب آورست و مست

اندر سکوت خرم و گویای بوستان / مه موج می زند چو پرندی به جویبار
می خواند آن دقیقه که مریم به شستشوست / مرغی ز شاخسار

- (۱) مریم دامن کشان به سمت سایه درختان دور می گریزد.
- (۲) سکوت بوستان ناشی از حیرت گل ها و گیاهان از تماشای مریم است.
- (۳) مریم نام معشوقه شاعر است.
- (۴) مهتاب می دمد و مریم خود را در نور آن شست و شو می دهد.

۷۲- در کدام گزینه درونمایه ای مشابه با شعر قدیم دیده نمی شود؟

- (۱) بی اعتنا به تربت گلچهرگان خاک / بر استخوان پیر و جوان می زند کلنگ
- (۲) بستان به خواب رفته و می دزدد آشکار / دست نسیم عطر هر آن گل که خرم است
- (۳) گنج مراد در دل ویران انتظار / ناجسته ماند و مرگ بر او سایبان گرفت
- (۴) آسمان تیره و سنگین چو یکی پاره سرب / می فشارد شب هول افکن و بیم افزا را

۷۳- کدام گزینه در مورد شعر باران درست است؟

- (۱) در این شعر استقلال مصراعها و پایان بندی آنها به شیوه نیما رعایت شده است.
- (۲) صور خیال در آن وجه نمادین دارد.
- (۳) رنگ و بو و حال و هوایی اقلیمی دارد.
- (۴) هنجارشکنی های زبانی در آن دیده می شود.

۷۴- سراینده کدام شعر، مدیر مجله سخن بود؟

- (۱) مرغ آمین (۲) کارون (۳) عقاب (۴) باران

۷۵- توضیح کدام شعر درست و دقیق است؟

- (۱) یک نفر در آب دارد می کند بیهوده جان قربان: ای ارباب یک نفر در آب دارد بیهوده جان می کند.
- (۲) پک و پک سوزد آنجا کله سی / بوی از پیه می آید به دماغ
در دل درهم و برهم شده مه / کورسویی ست ز یک مرده چراغ: در دل پر آشوب، گویی مه شده است و دل مانند نور کمرنگ یک چراغ مرده است.
- (۳) طبل می کوید و در شاخ دمان / به سوی راه دگر می گذرد / مرده در گور گرفته است تکان پنداری / جسته یا زنده ای از زندگی خود که شما ساخته اید / نفرت و بیزاری: یا زنده ای از زندگی خود - که شما برایش ساخته اید - متنفر شده است.
- (۴) دم که فکرش شده سوی دیگر / گردن خود تن خود خار و در وحشت دل افکند او: تن و گردن خود را می خار و وحشت در دلش می افکند.

۷۶- در همه گزینه‌ها نوعی کاربرد متفاوت با زبان هنجار دیده می‌شود جز ...

- ۱) هر دمی با خود می‌گوید باز / چه شب مودی و گرمی و دراز
- ۲) باز می‌کوبد او بر سر طبل / در هوایی به مه اندود شده
- ۳) دم که فکرش شده سوی دیگر / گردن خود تن خود خارد
- ۴) گفتمش خنده نبندد پس از این / آفتابی نه چراغی با من

۷۷- غرض شاعر از توصیف در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) مانده از شب‌های دورادور / بر مسیر خامش جنگل / سنگچینی از اجاقی خرد / اندرو خاکستر سردی //
- همچنان کاندر غباراندوده اندیشه‌های من ملال‌انگیز / طرح تصویری در آن هر چیز / داستانی حاصلش دردی
- ۲) هنگام که گریه می‌دهد ساز / این دودسرت ابر بر پشت / هنگام که نیل چشم دریا / از خشم به روی می‌زند مشت //
- زان دیرسفر که رفت از من / غمزه‌زن و عشوه ساز داده / دارم به بهانه‌های مانوس / تصویری از او به بر گشاده
- ۳) می‌رود دوکی این هیكل اوست / می‌رمد سایه‌ای این است گراز // خواب‌آلوده به چشمان خسته / هر دمی با خود می‌گوید باز / چه شب مودی و گرمی و دراز
- ۴) با تنش گرم بیابان دراز / مرده را ماند در گورش تنگ // به دل سوخته من ماند / به تنم خسته که می‌سوزد از هیبت تب

۷۸- در کدام گزینه سطری وجود دارد که نیمی از آن نهاد جمله سطر قبل و نیم دیگرش نهاد جمله سطر بعد است؟

- ۱) قوقولی قو! خروس می‌خواند / از درون نهفت خلوت ده / از نشیب رهی که چون رگ خشک / در تن مردگان دواند خون
- ۲) از آن زمان که زردی خورشید روی موج / کمرنگ مانده‌است و به ساحل گرفته اوج / بانگ شغال و مرد دهاتی / کرده‌است روشن آتش پنهان خانه را
- ۳) حس می‌کند که زندگی او چنان / مرغان دیگر ار به سر آید / در خواب و خورد / رنجی بود کز آن نتوانند نام برد
- ۴) جایی که نه گیاه در آنجاست نه دمی / ترکیده آفتاب سمج روی سنگهاش / نه این زمین و زندگیش چیز دلکش است

۷۹- در همه بیت‌ها آرایه استعاره مصرحه هست بجز بیت ...

- ۱) عماری دار لیلی را که مهد ماه در حکم است / خدا را در دل اندازش که بر مجنون گذار آرد
- ۲) شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت / چشم دریده ادب نگاه ندارد

۳ چشم من کرد به هر گوشه روان سیل سرشک / تا سهی سرو تو را تازه به آبی دارد

۴ محترم دار دلم کاین مگس قندپرست / تا هواخواه تو شد فرّ همایی دارد

۸۰- در کدام گزینه به رسم یا نشانه‌ای صوفیانه اشاره نشده است؟

۱ طوطیی را به خیال شکری دل خوش بود / ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد

۲ سرو بالای من آن گه که درآید به سماع / چه محل جامه جان را که قبا نتوان کرد

۳ ای دل بیا که ما به پناه خدا رویم / ز آنچ آستین کوتاه و دست دراز کرد

۴ ز جیب خرقة حافظ چه طرف بتوان بست / که ما صمد طلبیدیم و او صنم دارد

۸۱- در کدام گزینه مفهوم تحسین و ستودن وجود ندارد؟

۱ هر کس که دید روی تو بوسید چشم من / کاری که کرد دیده من بی نظر نکرد

۲ پیر دردی کش ما گرچه ندارد زر و زور / خوش عطابخش و خطاپوش خدایی دارد

۳ مقام اصلی ما گوشه خرابات است / خداش خیر دهد آن که این عمارت کرد

۴ در خم زلف تو آویخت دل از چاه زنج / آه کز چاه برون آمد و در دام افتاد

۸۲- معنی کدام بیت درست نیست؟

۱ ز بنفشه تاب دارم که ز زلف او زند دم / تو سیاه کم بها بین که چه در دماغ دارد = از بنفشه ناراحت و در رنجم که لاف برابری با زلف او می‌زند. این سیاه کم ارزش را ببین که چه فکری در سر دارد.

۲ چو خامه بر خط فرمان او سر طاعت / نهاده‌ایم مگر او به تیغ بردارد = مانند قلم مطیع فرمان او هستیم و از روی اطاعت سر به فرمان او نهاده‌ایم مبادا که او با تیغ سر ما را قطع کند.

۳ ز باده هیچت اگر نیست این نه بس که تو را / دمی ز وسوسه عقل بی‌خبر دارد = اگر از شراب هیچ سودی نمی‌بری آیا همین کافی نیست که لحظه‌ای تو را از خارخار عقل دور می‌کند؟

۴ مگر که لاله بدانست بی‌وفایی دهر / که تا بزاد و بشد جام می ز کف نهاد = حتماً لاله از بی‌وفایی روزگار و دنیا آگاه بود که از زمان تولد تا زمان مرگ جام شراب را به زمین نگذاشت.

۸۳- معنی کدام گزینه درست است؟

۱ همای زلف شاهین شهپرت را / دل شاهان عالم زیر پر باد = دل شاهان عالم زیر پر زلف تو باشد که مانند هماست و شاه‌بالی همچون شاهین دارد.

۲ حباب‌وار براندازم از نشاط کلاه / اگر ز روی تو عکسی به جام ما افتد = اگر عکس چهره تو در جام شراب من بیفتد مانند حباب با کمال احترام، کلاه از سر برمی‌دارم.

۳) هر دمش با من دلسوخته لطفی دگرست / این گدا بین که چه شایسته انعام افتاد = هر لحظه به من عاشق دلسوخته لطف تازه‌ای می‌کند این گدا را ببین که چگونه مرا سزاوار بخشش خود دانست.

۴) صنعت مکن که هر که محبت نه راست باخت / عشقش به روی دل در معنی فراز کرد = تظاهر و ریا نکن زیرا کسی که حقیقتاً در راه راست عشق نورزد، عشق از در بسته دل او وارد نمی‌شود.

۸۴- در کدام گزینه بخش معنی شده نادرست است؟

۱) راه عشق از چه کمینگاه کمانداران است / هر که دانسته رود صرفه از اعدا ببرد (صرفه بردن: پیشی جستن، پیروز شدن)

۲) سر منزل فراغت نتوان ز دست دادن / ای ساربان فروکش کاین ره کران ندارد (فروکش: خموش باش، سخن مگو)

۳) خدا را داد من بستان ازو ای شحنه مجلس / که می با دیگری خوردست و سر بر من گران دارد (سر گران داشتن: سرسنگین بودن، بی توجهی کردن)

۴) حریم عشق را در که بسی بالاتر از عقل است / کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد (در آستین داشتن: حاضر و آماده داشتن)

۸۵- معنی در همه گزینه‌ها درست است بجز گزینه ...

۱) و آن که یک جرعه می از دست تواند داد / دست با شاهد مقصود در آغوشش باد = می تواند از یک جرعه می چشم بپوشد و آن را ببخشد.

۲) بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه / زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد = رسوایش خواهد کرد.

۳) فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید / شرمنده رهروی که عمل پر مجاز کرد = از روی حقیقت عمل نکرد.

۴) بانگ گاوی چه صدا باز دهد عشوه مخر / سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد = سامری نمی‌تواند معجزه حضرت موسی را بپذیرد.

۸۶- معنی همه بیت‌ها درست است بجز بیت ...

۱) بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ / در معرضی که تخت سلیمان رود به باد = در جایی که تخت سلیمان بر باد می‌رود، اگر به چیزی علاقه‌مند و دل‌خوش شوی، بهره‌ای نخواهی داشت.

۲) می‌خواستم که میرمش اندر قدم چو شمع / او خود گذر به ما چو نسیم سحر نکرد = می‌خواستم مانند شمع در هر قدمی که برمی‌دارم بمیرم اما او مانند نسیم سحری بود که از کنار من عبور نکرد.

۳) گذار بر ظلمات است خضر راهی کو / مباد کآتش محرومی آب ما ببرد = راه عبور ما از تیرگی‌ها می‌گذرد. کجاست خضر راه‌دانی که ما را هدایت کند مبادا که آتش محرومیت و بی‌نصیبی آبروی ما را ببرد.

۴) ای دل طریق رندی از محتسب بیاموز / مستست و در حق او کس این گمان ندارد = ای دل من شیوه رندی را از محتسب یاد بگیر در حالی که مست و از خود بی خود است کسی حتی چنین تصویری درباره او نمی کند.

۸۷- نوع واژه «داد» در کدام بیت با سایر بیت‌ها تفاوت دارد؟

- ۱) در کف غصه دوران دل حافظ خون شد / از فراق رخت ای خواجه قوام‌الدین داد
- ۲) گذشت بر من مسکین و با رقیبان گفت / دریغ حافظ مسکین من چه جانی داد
- ۳) من همان روز ز فرهاد طمع بیریدم / که عنان دل شیدا به لب شیرین داد
- ۴) برو معالجت خود کن ای نصیحت‌گوی / شراب و شاهد شیرین که را زیانی داد

۸۸- توضیح مقابل کدام بیت نادرست است؟

- ۱) کامم از تلخی غم چون زهر گشت / بانگ نوش شادخواران یاد باد (من از شادخواری محروم)
- ۲) صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد / ورنه اندیشه این کار فراموشش باد (مدعیان زهد در انجام گناه حریص ترند)
- ۳) نه به تنها حیوانات و نباتات و جماد / هر چه در عالم امرست به فرمان تو باد (موجودات ملکوت هم تحت امر تو باشند)
- ۴) گر جان بدهد سنگ سیه لعل نگرده / با طینت اصلی چه کند بدگهر افتاد (شرایط مناسب سبب ارتقا می‌گردد)

۸۹- در کدام گزینه اشاره‌ای به طب قدیم یا سنتی وجود ندارد؟

- ۱) شکسته‌وار به در گاهت آدمم که طیب / به مومیایی لطف توام نشانی داد
- ۲) شفا ز گفته شکر فشان حافظ جوی / که حاجت به علاج گلاب و قند افتد
- ۳) ز زهد خشک ملولم کجاست باده ناب / که بوی باده مدامم دماغ تر دارد
- ۴) بر سینه ریش دردمندان / لعلت نمکی تمام دارد

۹۰- توضیح همه گزینه‌ها درست است بجز گزینه ...

- ۱) غیرتم کشت که محبوب جهانی لیکن / روز و شب عربده با خلق خدا نتوان کرد (ملاحظه‌کاری بر غیرت غلبه دارد)
- ۲) قدح مگیر چو حافظ مگر به ناله چنگ / که بسته‌اند بر ابریشم طرب دل شاد (موسیقی در ایجاد نشاط مؤثر است)
- ۳) شراب و عیش نهان چیست کار بی‌نیاد / زدیم بر صف رندان و هر چه بادا باد (رند در اندیشه حفظ آبرو نیست)

۴) ز انقلاب زمانه عجب مدار که چرخ / ازین فسانه هزاران هزار دارد یاد (روزگار تغییرات زیادی ایجاد نمی کند)

۹۱- معنی همه گزینه‌ها درست است جز گزینه ...

۱) چون بگویی یا خشم آن محتشم ترا حاصل آید، یا آزار دوست حاصل شود، یا بیم شوریدن غوغا و عامه باشد بر تو = اگر بگویی یا آن فرد صاحب مقام از تو خشمگین می شود یا دوست از تو می رنجد و یا خطر شورش مردم فرومایه و آشوب گر و عموم مردم بر تو وجود دارد.

۲) هیچ سخن را مشکن و مستای تا نخست عیب و هنر آن ترا معلوم نگردد = هیچ حرفی را قطع نکن یا تحسین نکن قبل از آنکه خوبی یا بدی آن بر تو آشکار شود.

۳) اکنون این که گفתי درست کن یا نه ترا عقوبتی هر کدام سخت تر بکنم. پیر گفت: بر این سخن درستی گوی من خود این علوی است = حال آنچه را گفته ای ثابت کن اگر نه تو را هر چه شدیدتر مجازات می کنم. پیر گفت: گواه من بر درستی این سخن وجود خود این علوی است.

۴) هر چند دانا کسی بود که با دانش ویرا خرد نیست آن دانش بر وی وبال بود = اگر کسی خرد نداشته باشد هر چند عالم باشد آن دانش مایه گرفتاری و دردسر او خواهد شد.

۹۲- با توجه به ویژگی های سبکی، کدام گزینه را نمی توان از قابوس نامه دانست؟

۱) پرسید که ای فلان چرا نان نیم خورده از خوان ما برخاستی؟ این مرد گفت: مرا نان آن کس نباید خورد که تای موی در لقمه من بیند.

۲) همه افراد انسان با یکدیگر همدلی می ورزند و همدردی. در حقیقت آن کس که از این فضیلت بی بهره است شایسته این شهر نیست.

۳) نیک بختان را نیکی خویش آرزو کند و بدبختان را زاد و بود.

۴) بر سر نان بر ترش روی مباح و بر خوان سلار برخیره جنگ مکن.

۹۳- توضیح کدام گزینه درست است؟

الف- چرا مردمان از کاری پشیمانی خورند که از آن کار دیگری پشیمانی خورده باشد؟ = بیهوده بودن پشیمانی

ب- فاسقی متواضع این جهان جوی بهتر از قرای متکبر آن جهان جوی = ستایش فروتنی

پ- اگر خواهی که از رنج دور باشی آنچه نرود مران = نکوهش تلاش برای محال

ت- اگر خواهی که زبانت دراز بود کوتاه دست باش = نکوهش متجاوز بودن

ث- اگر خواهی که برتر از مردمان باشی فراخ نان و نمک باش = حق نان و نمک را شناختن

۱) الف و ب ۲) ب و پ ۳) ت و ث ۴) الف و ث

۹۴- استنباط از کدام گزینه درست است؟

- ۱) امیر گله تو کرد و گفت: فلان مردی برجای است چرا باید با من چنان گوید که با کودکان گویند؟ (فلانی مردی پابرجا است)
- ۲) اما چون پیر شدی از محال جوانی دور باش که هر که بمرگ نزدیک تر بود باید از محال جوانی دورتر بود (در پیری از کارهای باطل جوانی دوری کن)
- ۳) پس بخشودنی کسی باشی که در هر ساعت دردی و رنجی بدو رسد (شخص دلرحم و هر لحظه دردمندتری هستی)
- ۴) چیزی که نیکو نهاده باشد نیکوتر منه تا بطمع محال از آن بتر نیایی (درصدد اصلاح خوبی‌ها نباش تا بدی‌ها بر تو طمع نکنند)

۹۵- کدام گزینه به درستی نقل شده است؟

- ۱) پیران چیزها دانند که جوانان ندانند اگر چه عادت جوانان چنانست که بر پیران تماخره کنند از آن که پیران را محتاج جوانی بینند و بدان سبب جوانان را رسد که بر پیران پیشی جویند.
- ۲) اگر پیران در آرزوی جوانی باشند جوانان نیز بی‌شک در آرزوی پیری باشند و پیر این آرزو یافته است و ثمره آن برداشته، جوان را بهتر، که این آرزو باشد که دریابد و باشد که در نیابد.
- ۳) چون نیکو بنگری پیر و جوان هر دو حسود یک‌دیگر باشند اگر چه جوان خویشتن را داناترین همه کس داند. پس از طبع چنین جوانان مباش و پیران را حرمت دار.
- ۴) پیر رعنا مباش و انصاف پیری بیش از آن بده که انصاف جوانی که جوانان را اومید پیری بود و پیران را جز بجوانی اومید نباشد.

زبان عربی

۹۶- اعراب کدام کلمه در این بیت صحیح است؟

یطوی الحریص الارض فی طلب الغنی / و یری الجبان هلاکه فی حربه

(۱) الحریص (۲) الارض (۳) الجبان (۴) هلاک

۹۷- کدام عبارت عربی برای این عبارات از داستان موش و سلّه در «کلیله» مناسب است؟

در سوراخ من هزار دینار بود ... مهمان من زمین بشکافت تا به زر رسید ، برداشت ... و نگذشت بس روزگاری که حقارت نفس و انحطاط منزلت خویش در دل موشان بشناختم.

(۱) خسر الدنيا و الآخرة (۲) من قل ماله هان علی اهله

(۳) قليل المال تصلحه فيبقى (۴) خياركم احاسنكم اخلاقا

۹۸- در کدام بیت ها ، جمله در مصراع اول تمام نمی شود و بخشی از آن در مصراع دوم آمده است؟

الف- عاذلتی ان بعض اللوم معنفة / و هل متاع و ان بقیته باق

ب- و لما ان تجهمنی مرادی / جریت مع الزمان کما ارادا

ج- لا تبل بالخطوب ما دمت حیا / کل خطب سوی البنية سهل

د- و الذ ایام الفتی و احبه / ما کان یزجیه مع الاحباب

(۱) الف و ج (۲) ب و د (۳) ب و ج (۴) ج و د

۹۹- کدام گزینه ترجمه دقیق بیت زیر است؟

و هَوْنَتْ الخُطُوبُ عَلَيَّ حَتَّى / كَأَنِّي صِرْتُ أَمْنَحْهَا الْوُدَادَا

(۱) گام های سبکی برداشتم گویی دوستان یاری ام کرده اند.

(۲) سخنان را بر خود آسان گرفتم تا این که آغاز به دوستی با خطیبان کردم.

(۳) کارهای بزرگ را چنان بر خویش آسان کردم که گویی دوستی ام را بدانها بخشیده ام.

(۴) مخاطبان را کوچک شمردم چنان که گویی دوستی را از آنان دریغ داشته ام.

۱۰۰- معنای کدام گزینه به مفهوم بیت زیر نزدیک است؟

يَهْمُ اللَّيَالِي بَعْضُ مَا أَنَا مُضِيرٌ / وَ يَثْقُلُ رِضْوَى دُونِ مَا أَنَا حَامِلٌ

(۱) الدهر ليس بناجٍ من حوادثه / صُمُّ الجبال و لا ذوالعصمة الصّدغ

(۲) نشود شسته جز به بی طمعی / نقش های گشادنامه عار

(۳) از هجر تو هر شیم فلک آن زاید / کان رنج اگر مهر کشد برناید

(۴) فلما رأيتُ انِّي قد قتلته / ندمتُ عليه اي ساعة مندم